

متن پرسش

سلام علیکم: یکی از پژوهشگران فعال عرصه دین پژوهی، وقتی از شون این سوال رو پرسیدند که امروزه زندگی بدون ارتباط با دیگران امکان پذیر نیست، پس چرا می گوییم: «نه شرقی، نه غربی» در جواب چین مطالبی رو گفتند: «مراد از شعار «نه شرقی، نه غربی» آن است که ما در انتخاب راه و شیوه حکومت، به شرق و غرب وابسته نباشیم و نسبت به هیچ ابرقدرتی خودباخته نشویم، زیرا شرق زدگی و غرب زدگی دو بیماری مهلك و نشان دهنده خودباختگی است. اما در کسب علم و تجربه و مهارت، ما باید هم شرقی باشیم و هم غربی. در حدیث می خوانیم که پیامبر عزیز اسلام فرمود: «اطلبوا العلم و لو بالصَّین» (وسائل، ج ۲۷، ص ۲۷). علم را بیاموزید، حتی اگر در چین و دورترین نقطه باشد. همان گونه که گرمزدگی و یخ زدگی بیماری است، اما استفاده از حرارت برای پخت و پز و استفاده از یخ در مواردی لازم مفید است. آری، از یخ استفاده کنیم، اما یخ زده نباشیم. از گرما استفاده کنیم، اما گرمزده نباشیم. از شرق و غرب استفاده کنیم، اما شرق زده و غرب زده نباشیم.» چین مطالبی با توجه به اینکه روح تمدن ها غیریت ساز هست و هر فرهنگی ابزار و علم مخصوص خود رو میسازه و روح کلان اسلام و مدرنیته متفاوت هست، آیا چین چیزی مقبول است؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بسیار عالی فرموده‌اند، فدای چین اندیشمندی. زمان شناسی یعنی همین. موفق باشید